لوح نقطه

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### لوح نقطه – حضرت بهاءالله – مجموعه الواح مباركه، چاپ مصر، صفحه ٢٧٢ - ٢٧٤

## ﴿ بسم الّذي هو منفخ الرّوح في أجساد الكلمات بروح قدس منير ﴾

حمد خدا را که عيون حيوان غيبی که در حجبات ستر إلهی مستور بود بتأييدات روح القدس علوی از حقايق کلمات جاری و ساری گشت \* بلی چشمه حيات مشهور که بعضی از عباد در طلب او شتافتند حيات ظاهری عنصری بخشيد \* و اين چشمه حيات که در کلمات سبحانی جاری ومستور است حيات باقی و روح قدسی بخشد \* مبدأ و محلّ آن چشمه ظلمات أرض است \* و مبدأ و سبب اين چشمه جعد محبوب \* چون حور معانی که أزل الآزال خلف سُرَادِق عصمت صمدانی مستور بود وقتی از ساحت قدس سلطان لا يزالی اذن خواست که از غرفات خلوت روحانی بانجمن رحمت ربّانی در آيد و يک تجلّی از تجلّيات مکنونه بر عوالم قدس أحديّه إشراق فرمايد در اين حين منادی از مصدر أُلوهيّت کبری و مخزن ربوبيّت عظمی ندا نمود که خلقی که قابل اين تجلّي و إشراق شوند مشهود نه \* أمر بخلق جديد و صنع بديع گشت \* جميع أهل ملأ أعلی و سکّان رفارف بقا متحيّر گشتند که اين خلق بديع از چه عنصری مخلوق شوند و از چه حقيقتی موجود آيند \* در اين حين نسيم صبای قدسی از سبای فردوس معنوی بوزيد و غبار لطيف معطّری از گيسوی آن حوری روحانی آورد و در آن ساعت چند قطره شراب نورانی از کوثر جمال حضرت رحمانی در آن غبار چکيد و دست قدرت صمدانی از کنز غيب رحمت سلطانی ظاهر شد و آن غبار روحانی را بماء عذب نورانی عجين فرمود و بعد نَفَسی از نفس قِدمانی در او دميد إِذًا قاموا خلقٌ لو ينظر أحدٌ منهم بِطَرْفِ طَرْفه علی أهل السَّموات و الأرض لينعدمنَّ کلّهنّ و ينقلبنّ و يرجعنّ الی عدم قديم \* و بعد أمر مبرم از سماء أمر إلهی شد که أهل سرادق عظمت و أهل حجبات قدرت و ملأ کرّوبين و حقائق صافّين جنّت خلد را بأنوار جمال تزيين نمايند و بفرش سندس و استبرق قدسی فرش نمايند \* و بعد إذن خروج از سماء ظهور رسيد و آن حوريّه روح از خلف سرادق کبری بيرون آمد و بر سکّان أهل سماوات و أرض بذل روح حقيقی فرمود و بعد از قيام بر فراش سندسی حرکتی فرمود و از آن حرکت از شعرات او چند نقطه سودا که حاکی از ان ظلمت نورا بود بر ارض استبرقی چکيد و از آن نقطه های معدوده اين کلمات بديعه تزيين يافت و کوثر حبيّه در ظلمات عيون اين کلمات مستور گشت \* پس ای همپران هوای قدسی از توجه بدنيای فانی خود را از اين سلسبيل باقی ممنوع ننمائيد شايد برفارف بقای لقای جمال ذوالجلال اذن دخول يابيد \* و کذلک نذکر لکم الأسرار فيما سُتِرَ علی عقولکم و قلوبکم فی الماء الّذی ذکر فی کلّ الألواح بالحيوان لعلّ أنتم إلی هذا الماء فی هذا المعين بعد انقطاعکم عن کلّ مَنْ فی السّموات و الأرض إليه تصلون \* و الی بدايع فيض فضله ترجعون\*